

مرکز اول

همانطور که در قسمت سیستم ظریف بدن شرح داده شد. مولادهارا در ابتدای کانال سمت چپ قرار گرفته است. یعنی ریشه همه احساسات انسانی، هرزگی، شهوت رانی و هر گونه سوء استفاده بیش از حد مجاز یا غیر مجاز، مثل تشکیل حرمسرا ها و روابط خلاف، سبب ضعیف شدن این مرکز می شوند. این اعمال نه فقط بیماریهای تناسلی را بوجود می آورند، بلکه ریشه بسیاری از بیماریهای روانی و فرسودگی کلی سلولهای بدن انسان نیز می باشند.

احساس گناه و عذاب وجدان بدنیاال اعمال غیر مجاز عامل دیگر بیماریهای روحی و جسمی بشر می باشد. برای بهتر توضیح دادن این مرکز، می توان عالم ناخودا گاهی را به یک درخت تنومند تشبیه کرد، این درخت از هفت مرکز انرژی و سه کانال تشکیل شده است. این سه کانال و مرکز اول، مستقیماً به مرکز هفتم یا مرکز هزار گلبرگ (سahasrara) متصل می شوند. هر یک از این هفت مرکز، تأثیر بسیار بارزی در تکامل انسانها دارند. خداوند متعال برای هر یک از این مراکز در زمانهای متعدد پیا مبران و مظاهران الهی خاصی را بمنظور تکامل و رشد بشریت تعیین و منصوب کرده است. در علم پزشکی این مراکز را بنام پلاکسوس می شناسند که در انتقال پیامها، از یک نقطه به نقطه دیگر، درکل سیستم عصبی بدن رل مهمی را بازی می نمایند. می توان این هفت مرکز را به هفت روز خلقت جهان نیز تشبیه کرد. عدد هفت در خیلی از ادیان و فرهنگها، از جمله در کشور ما دارای اهمیت ویژه ای می باشد، مثل هفت خان رستم یا هفت شهر عشق که در بین مردم مشهور هستند. این مراکز مثل منشورهای بلوری می مانند که نور الهی را از بد و تولد تا آخرین روز زندگی به عناوین مختلف، به ما منعکس می نمایند. مولادهارا در پایین ترین قسمت استخوان لگن خاصره قرار گرفته است. در زبان سانسکریت (مولا) بمعنای ریشه و (دهارا) بعنوان حامل و حفاظت کننده میباشد. این مرکز زیر کندالینی قرار گرفته و حامل و محافظ آن می باشد. تنها راه رسیدن به این مرکز از طریق کانال چپ یا کانال ماه (احساسات ما) می باشد.

این مرکز در همه موجودات زنده روی زمین موجود است. بقاء زندگی در روی زمین مدیون فعالیتهای فیزیولوژیکی این مرکز می باشد. همانطوریکه در صفحه سیستم ظریف مشاهده کردید و همینطور هم که در این صفحه می بینید، مولادهارا، از یک گل با چهار گلبرگ تشکیل شده است. عدد چهار بنیان، سیستم ظریف بدن ما را تشکیل میدهد، این عدد بطور تصادفی و یا اتفاقی انتخاب نشده است، بلکه از قدیم الایام همواره مورد توجه عرفا و دانشمندان ایرانی و خارجی مثل پیلاتو، یونگ و سایرین بوده است. همانطور که می دانید بسیاری از بناهای باستانی و معماری بر چهار ضلع، که همان مربع می باشد، ساخته شده اند. معروفترین آنها که با آن آشنائی کامل داریم، کعبه است. طبیعت هم از چهار فصل تشکیل شده است، همانند چهار جهت اصلی، چهار قسمت ماه و همچنین کربن که پایه شیمی عالی را تشکیل میدهد، دارای چهار ظرفیت میباشد. میتوانیم حتی، بدن خود را هم در چهار بخش اصلی تعریف کنیم: تن، فکر، احساس و انرژی ظریف که با هم چهار ستون زندگی انسانها را تشکیل میدهند. صلیب و سواستیکاء نیز هر دو دارای چهار ضلع می باشند. مظهر و الهه مرکز اول شیری گنشاء می باشد. او را در میتولوژی هند با چهار بازو نشان میدهند. خواص مربوط به این مرکز هم دارای چهار کیفیت مهم می باشد که عبارتند از: پاکی، معصومیت، خرد و آگاهی و بطوریکه مشاهده می کنید عدد چهار چه از نظر عرفا و چه از نظر ادیان معتبر یا دانشمندان و معماری کهن و همچنین در طبیعت، همواره نقش بارزی ایفا کرده است. به همین جهت نیز صلح درونی، وجود مرکز مولادهارا را آغاز زندگی در روی زمین میداند. اگر ما خواص بارز این مرکز را مطالعه نمائیم، خواهیم فهمید که بدون وجود این مرکز ما حتی قادر به ادامه حیات و یا تولید مثل نخواهیم بود. این مرکز مهمترین مرکز بدن ما انسانها را تشکیل میدهد. معصومیت یکی از صفات بارز این مرکز می باشد، که آن هم بطور طبیعی از طرف خداوند در بنیان هر شخص نهاده شده است. بنابراین معصومیت یک گزینه طبیعی و خودجوش است و بدون خواست و یا اراده ما جلو می کند. خصایص معصومیت، درست همانند رفتار طبیعی کودک است، که از خواست و آرزوهای بزرگسالان مبری است.

معصومیت هر کودک پایه خرد و دانایی طبیعی او می باشد و براحتی قابل پامال شدن و یا از بین رفتن نیست. توسط این معصومیت است که کودک میتواند بزرگسالان را حتی از رخداد بعضی از سوانح آگاه نماید، این همان آگاهی است، که همه حیوانات هم از آن بهره مند می باشند. مثلاً نوزاد هر موجودی بطور طبیعی میداند، که بایستی از شیر مادر خود تغذیه کند، آنها میتوانند اعتراض و خوشحالی درونی خودشان را با زبان بی زبانی به ما بفهمانند، اگر طفلی بدون نفع دیگران و اطرافیان به زندگی خویش ادامه بدهد، در هر حال تبدیل

به انسانی کاملاً آگاه، متعادل و آزادی خواهد شد. ولی متأسفانه ذهنیت والدین روند رشد طبیعی کودک را تغییر می دهد. این تغییرات
بمرور معصومیت، خرد و دانائی ذاتی کودک را کمتر و از بین می برد.

معصومیت جوهر طبیعی و خدادادی است که رفتار و اعمال ناشایست و غیر مجاز میتواند روی آنرا مثل گرد و غبار بگیرند. بیدار
شدن کندالینی مثل آتشی است، زیر خاکستر، که با درخشش خود، مرکز اول (مولادهارا) را ارشاد و احیاء خواهد کرد. توسط این احیاء
ما قادر خواهیم بود از دست رفته های با ارزشمان را که همانا معصومیت، پاکی و صداقت می باشند، را مجدداً احیا کرده و به تعادل
برگردانیم. زندگی دوباره بخشیدن به، پاکی و معصومیت، نشاط آور و لذت بخش است. هرگز نمیتوانید، به کسی آزار و اذیت برساند،
حس آزادی که از آن نشأت میگیرد به اشکال مختلف در ظاهر و باطن ما نمایان میشود. چنین انسان تحقق یافته یا ارشاد شده ای به
هر جایی برود یا به کاری اقدام نماید، فقط آرامش خاطر را برای دیگر افراد بوجود میآورد. اگر با کسی ملاقات نماید، یا در هر کار
اجتماعی شرکت نماید، اطرافیان و اشخاص نزدیک به او نیز این مسرت و نشاط را کاملاً احساس می نمایند.

متأسفانه بدلیل سوء استفاده از معصومیت و پاکی، در این کره خاکی، مشکلات بزرگی در درون جامعه و در صلح جهان بوجود آمده است.
بجرات میتوان گفت آنچه تا بحال اتفاق افتاده نتیجه بی احترامی به معصومیت و پاکی انسانها بوده است. اگر ما قدرت آنرا داشته باشیم که
این پاکی را دوباره برقرار نمائیم، ریشه و بنیان فساد نیز بخودی خود کنده خواهد شد. دیگر نیازی به اسلحه های مرگبار و مدرن برای
نابود کردن تروریستها، جانیان و دشمنان بشریت پیدا نخواهیم کرد، با به دست آوردن مجدد معصومیت و پاکی در من و شما تمام این مسائل
به خودی خود حل خواهند شد. اغلب تعصب ها و افراطهای فئاتیکی ما باعث از بین رفتن پاکی و معصومیت درونی ما میشوند. با از
دست دادن پاکی و معصومیت در مرکز اول، نمی توانیم در جهان صلح برقرار کنیم، در این دنیای متلاطم و مشوش خیلی مهم است که هر
کسی معصومیت و برائت و پاکی خویش را حفظ نماید چرا که با ارشاد این مرکز و توسط کندالینی خودمان میتوانیم بر فسادهای اخلاقی و
اجتماعی و بر قتل و جنایت و خونریزی در جهان، بدون هیچگونه وسیله و جنگ افزار مدرن مبارزه کنیم.
تنها برائت و پاکی ماست که این جهان را نجات خواهد داد.

هر مطلبی که نوشته می شود و یا بیان میشود، در هر لحظه از زندگی، بایستی با نهایت توجه از معصومیت و پاکی خویش و دیگران
مراقبت کنیم. برای تمامی دردهای امروزه بشریت فقط یک دارو و یک راه علاج وجود دارد و آنهم معصومیت و پاکی میباشد.
با آشنائی بیشتر با این مرکز دریافتید، که این مرکز از چه اهمیت والائی برخوردار می باشد و برای حفاظت و صدمه نخوردن این مرکز
که ریشه ما می باشد از چه کارهایی باید پرهیز کرد. دریافتید چه کارهایی این مرکز مهم را الوده می کنند، ما باید این مرکز را پاک نگه
بداریم زیرا که او حفاظت کننده ما در درونمان (کندالینی) می باشد.

توسط بیداری کندالینی و پاک نگهداشتن مرکز اول به معصومیت از دست رفته خودمان دست پیدا خواهیم کرد. حراست از این مرکز
همانند شاه کلیدی است که تمام دربهای بسته را بروی شما باز خواهد کرد!